

## جنبش دانشجویی بخش مهمی از طبقه کارگر ایران و جنبش ستم دیدگان و خلع ید شونندگان علیه خلع ید کنندگان است

گذشته از چند دوره تاریخی کوتاه در دهه 20 شمسی تا مقطع کودتای 28 مرداد ماه 1332 و انقلاب بهمن 1357 که توام با خلاء قدرت فائقه دیکتاتوری و عدم تسلط کامل استبداد و خفقان بود، احزاب سیاسی و تشکلهای صنفی و مدنی آزاد و مستقل در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور وجود نداشته است. از این رو در غیاب این تشکل ها و ضعف نهادهای مدنی، دانشجویان و دانشگاهیان با هزینه های بسیار سنگین توانسته اند این کمبود را تا حدودی جبران کنند.

از فردای تاسیس دانشگاه تهران در سال 1313، جنبش دانشجویی بر متن شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه خود، وارد چرخه تاثیر گذاری بر معادلات سیاسی کشور شد و علیرغم افت و خیزهایی که از آندوره تاکنون پشت سر گذاشته است، امروزه همچنان یکی از مهم ترین و تاثیرگذارترین جنبش های اجتماعی حاضر در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران است.

این جنبش در طول تاریخ مبارزاتی خود، همگام و همراه با جنبش ملی شدن صنعت نفت و بدنبال کودتای 28 مرداد بر علیه آن شورید و در این راه سه تن از یاران راست قامت خود «احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی» را از دست داد. همچنین در سرنگونی رژیم پهلوی و انقلاب 57 از تاثیرگذارترین گروه های اجتماعی بود و در خلال سالهای اختناق و سرکوب دهه 60، جنبش اعتراضی سال 1378 و وقایع سال 88 هزینه های بسیار سنگینی متحمل شد. اما علیرغم این فشارها و سرکوب ها، هر بار که حکومتیان سعی کرده اند با یورش گسترده به آزادیهای فردی و اجتماعی و تضییع حقوق کارگران و مزدبگیران و فشار بر زنان و دانشجویان و سایر اقشار جامعه سکوتی قبرستانی حاکم کنند، جنبش دانشجویی قفتوس وار از آتش اختناق عبور کرده، از خاکستر اعتراضات توده ای به پاخاسته و آرامش ستمگران را برهم زده است.

و اینک، این جنبش در پس سرکوب سالهای 86 و 88 بار دیگر سر برآورده و دست اندر کار برپائی جنبشی نوین بر متن واقعیات عینی و مقتضیات زمانه حاضر است. دانشگاه و دانشجویان بار دیگر آماده مقاومت در برابر ستم و سرکوب میشوند. اما اینبار بدون نیاز به تئوری پیوند با کارگران و بطور بلاواسطه ای به عنوان بخش مهمی از طبقه کارگر ایران در حال وارد شدن به کشمکشهای حاد طبقاتی هستند.

دانشجویان در طول هفته گذشته، 16 آذر متفاوتی را در دانشگاههای سراسر کشور به منصفه ظهور رساندند و نشان دادند که دانشگاه و روز دانشجو، علیرغم فضای امنیتی و فشارهای سنگینی که بر روی آنان قرار دارد، دیگر مکان و زمانی برای دعوت از سران حکومت و جولانگاه دفتر تحکیمی ها و اصلاح طلبان و اصول گرایان و یا حداکثر مکان و زمانی برای آزادیخواهی و فریاد کارگر دوستی و عدالت طلبی گذرای نسل جوان در حال تحصیل نیست بلکه خود یک ایرانخودرو و هیکو و آذر آب و نیشکر هفت تپه ی دیگر است و روز 16 آذر روز اعتراض به صنعت سودآور و غارتگر آموزش و تحصیل، روز اعتصاب غذای دانش آموختگان صنعت نفت به بیکاری و شرایط استخدام، روز اعتراض به ارزان سازی نیروی کار، روز شوراها ی صنفی مستقل دانشجویان، روز اعتراض و مبارزه علیه بیکاری و فقر و فلاکت و تبعیض جنسیتی و بطور بلاواسطه ای روز مبارزه جوانان در حال تحصیل با منویات سرمایه است که پیش از فارغ التحصیل شدن، برده وارترین شکلی از ورود به بازار کار را با طرح کارورزی برای آنان تدارک دیده است.

جنبش دانشجویی، دیگر بخشی از جنبش ستم دیدگان و خلع ید شونندگان و جنبش 99 درصدیها علیه خلع اقلیت ناچیز خلع ید کنندگان یک درصدی است که امروزه در ایران و جای جای جهان زندگی و سرنوشت و آینده بشریت را به گرو گرفته اند.

سخن\_هفته#